



یک زنگ شاد با علوم

بتول صافی نجف آبادی
آموزگار پایه‌ی اول منطقه‌ی نجف آباد

علوم داشتیم و درسمان درباره‌ی جانورانی بود که می‌جهند. بچه‌ها قرار بود با اجازه‌ی بزرگ‌ترها حیوانات خانگی‌شان را به کلاس بیاورند.

یکی از بچه‌ها یک قورباغه آورده بود و من می‌خواستم برای بچه‌ها توضیح بدهم دست‌های جانورانی که می‌جهند، از پاهایشان کوتاه‌تر است. قورباغه مدام وول می‌خورد و بچه‌ها نمی‌توانستند کوتاه‌تر بودن دست‌هایش را تشخیص بدهند. یکی از بچه‌ها یک ماهی را در تنگ آورده بود. تصمیم گرفتیم قورباغه را توی تنگ بیندازیم. وقتی قورباغه شروع به شنا کرد، دست‌ها و پاهایش کاملاً معلوم شدند. بچه‌ها یکی‌یکی آمدند و دست و پاهای قورباغه را از نزدیک دیدند. بعد هم خرگوشی را که یکی دیگر از بچه‌ها آورده بود، کنار تنگ آوردیم. به بچه‌ها گفتم تصور کنید اگر خرگوش را در آب بیندازیم، دست‌ها و پاهایش چه شکلی می‌شود. بچه‌ها یکی یکی حیواناتشان را کنار تنگ می‌آوردند و درباره‌ی چگونگی حرکت حیوانات در آب با همدیگر صحبت می‌کردند.

آن روز بدون اینکه متوجه گذشت زمان باشیم، ساعتی شاد، شیرین و دلچسب را باهم سپری کردیم. من فکر می‌کردم، اگر همین مطلب را به‌طور شفاهی به بچه‌ها آموزش می‌دادم، خیلی زود آن را فراموش می‌کردند، اما وقتی آموزش عملی، عینی و ملموس باشد، یادگیری ساده، آسان و ماندگار می‌شود.